

# اقتصاد



فرمانده فراجا خبر داد

## پیشنهاد پلیس برای افزایش ۳ برابری مبلغ جرایم رانندگی

صفحه ۸

آیا می توان جلوی گسترش جنگ را گرفت؟

# زمین قربانی خشونت انسان‌ها!

همزمان با آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی باید بدانیم که خشونت در حال ویران کردن سیاره ماست و سازوکارهای جلوگیری از آن به شدت در حال شکست هستند. قطعنامه‌های حافظ صلح سازمان ملل به طور معمول توسط بازیگران درگیر در جنگ یا حامیان آنان وتو می‌شوند. "نظم مبتنی بر قواعد" که بایستن اعلام می‌کند به یک شعار تبدیل شده تا واقعیت. به گزارش واشنگتن پست، حماقت فعلی در مورد جنگ در جریان میان اسرائیل آن است که این باور وجود دارد که جنگ مشکلات را حل می‌کند این در حالیست که اسرائیلی‌ها و فلسطینیان بیش از پنج دهه است که بدون دستیابی به امنیت پایدار در حال نبرد با یکدیگر می‌باشند. جنگ روسیه علیه اوکراین با رویای "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه آغاز شد. او نتوانست کی یف را اشغال کند با این وجود، جنگ خونین و فرسایشی باعث کشته شدن چندین هزار نفر شده است.

بزرگترین پرسش در حوزه امنیت ملی برای سال ۲۰۲۴ میلادی و پس از آن این خواهد بود که چگونه می‌توان سازوکارهای تازه‌ای را ایجاد کرد که در واقع با گسترش جنگ مقابله کند. اکنون صدای طبل درگیری‌های آتی به گوش می‌رسد که در صورت رخ دادن حتی از دور کنونی نیز بسیار مرگبارتر خواهند بود. همان طور که ما در مورد اجتناب از جنگ‌های آینده فکر می‌کنیم یک راهنمای پیش روی مان عملکرد "دوایت آیزنهاور" رئیس جمهور اسبق آمریکا است. شرح در صفحه ۷

سخن نخست



محمسن پاک آیین

### جنگ افروزی اسرائیل و پاسخ مقاومت

تمام شواهد در غرب آسیا نشان می‌دهد که نتانیاهو برای جلوگیری از مرگ سیاسی خود به دنبال گسترش جنگ است و به همین دلیل حمله به سوریه و لبنان را در دستورکار قرار داده است. بنی گانتز، وزیر پیشین دفاع و رئیس ستاد ارتش اسرائیل که اکنون یکی از اعضای کابینه جنگی اسرائیل است روز چهارشنبه ششم دی ماه صریحا از این هدف پرده برداشت و گفت: «وضعیت در مرز شمال اسرائیل نیازمند تغییر است و نیروهای نظامی اسرائیل در جهت دوم در شمال، آماده حمله هستند.»

ادامه در صفحه ۲

### رنگ‌بندی معدل دانش آموزان در وضعیت قرمز

## بحران انگ تحصیلی

صفحه ۳



پس از گذشت ۱۰۰ روز از سال آبی جاری **حال منابع آبی تهران خوب نیست**

چند درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند؟ **تاثیرات افزایش حقوق بر اقتصاد**

حمایت بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل چه خطراتی دارد؟ **اشتباهی که ممکن است خاورمیانه را به آتش بکشد!**

### یادداشت

سفر به تایوان را در این منطقه با نوعی خط و نشان کشیدن برای آنکارا و مسکو تکرار کرد. به طور خلاصه، کشورهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی خواسته یا ناخواسته دوران حساسی را تجربه می‌کنند که به نوعی منافع این کشورها را وجه المصلحه قدرت های خارجی به ویژه ترکیه، فرانسه، آمریکا، روسیه و غرب قرار داده است و حتما تحولات اخیر دستاورد قابل ملاحظه‌ای برای مردم منطقه نخواهد داشت یا حداقل هیچ کشوری برنده حوادث اخیر نخواهد بود. موضوع مهمتر این که این تحولات به روند فعالیت اقتصادی کشورها لطمه جدی زده و در درازمدت بر میزان رشد اقتصادی و تأمین نیازهای انرژی اروپا و کالاهای اساسی تأثیرگذار است؛ مضافا که دیگر فعالیت ها از جمله صنعت توریسم را نیز با رکود جدی مواجه می‌کند. همچنین باید اذعان کرد که مرحله جدیدی از جنگ سرد شروع شده که با تغییر نقشه ژئواستراتژی جهانی می‌تواند ضمن جابه جایی نقش اجزای پازل قدرت در شرق اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی، عواقب خطرناکی از جمله تغییر مرزها و حتی آغاز اولین جنگ فرارمطقه ای در هزاره سوم میلادی برای بشریت داشته باشد. در عین حال رهبران کشورهای کوچک منطقه باید بدانند که بر اساس تجربه تاریخی در قرن ۲۰ و ۲۱ قدرت‌های بزرگ در شرایط سخت راهی برای توافق پیدا می‌کنند و به طور معمول منافع کشورهای کوچک را قربانی اهداف و منافع خود می‌کنند. اگرچه در حال حاضر شرایط برای چنین مصالحه ای بسیار سخت شده است ولی تجربه تاریخی می‌گوید که رهبران هوشمند کشورهای بی‌ارزنی باید به گونه ای عمل کنند که وجه المصلحه قدرت های بزرگ قرار نگیرند. جمهوری اسلامی ایران در ماه های اخیر تحولات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی در منطقه داشته که سفر هفته گذشته وزیر امور خارجه کشورمان به ایران آخرین نمونه آن است که تأیید کننده تداوم مواضع متوازن بیطرفی فعالانه با هدف رایزنی با رهبران کشورهای منطقه و تقویت همکاری های همه جانبه است. به هر حال کشورمان باید تلاش کند ضمن رصد دقیق تحولات، اتخاذ مواضع شایسته و به موقع؛ رویکرد مهم تشویق طرفین به حل و فصل اختلافات مرزی و ارضی طرفین با محوریت گفت و گو و مینا قرار دادن کنوانسیونها و مقررات بین المللی سرلوحه امور باشد چرا که ترقی و تعالی تمام عیار منطقه در گرو برقراری صلح پایدار و اعتماد توأمان با مشارکت جمعی است.

### بازیگران و حساسیت‌های موجود قفقاز؛ اولویت الزامی آتی چیست؟



علی بمان اقبالی زارچ مرحله جدیدی از جنگ سرد شروع شده که با تغییر نقشه ژئواستراتژی جهانی می‌تواند ضمن جابه جایی نقش اجزای پازل قدرت در شرق اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی، عواقب خطرناکی از جمله تغییر مرزها و حتی آغاز اولین جنگ فرارمطقه ای در هزاره سوم میلادی برای بشریت داشته باشد. جهان سیاست در حالی به سال جدید میلادی وارد شده که همانند رشد تکنولوژی بر سرعت تحولات سیاسی و امنیتی افزوده شده و عرصه بین الملل درگیر بحران های متنوع و متنوع عمدتا در محوریت اورآسیاست. در منطقه قفقاز تحولات جدید در سال ۱۴۰۰ با حمله آذربایجان به ارمنستان شروع شد و هدف غایی در این رقابت بین محور ترکی - آذری و ارمنستان داشتن سهم بیشتر در تسلط بر منطقه اورآسیاست که دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است. در شرایط جدید که بروز نشانه‌های جنگ گرم و سرد جدید بین روسیه و غرب را شاهد هستیم، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به‌عنوان کانون مهمی مورد توجه طرفین است و روس‌ها تلاش می‌کنند که نقش و توانمندی خود را در منطقه در رقابت با آمریکا، ترکیه و حتی چین افزایش دهند و به گونه‌ای تمام‌عیار تحولات کشورهای همسایه که گرایش به ناتو داشته را کاملا تحت نظر بگیرند. البته هر کدام از این کشورها اهداف خود را تأمین امنیت و مقابله با تروریسم و مهاجرت و... اعلام می‌کنند. از طرفی روس ها به گونه کلی اعتقاد دارند که منطقه نباید به کانونی اساسی و مرکز تحولات ناتو تبدیل شود و از طرف دیگر ناتو، آمریکا و کشورهای غربی هم معتقدند اگر به منطقه وارد نشوند، روس‌ها با بهره‌گیری از اهرم‌های اساسی خود در کشورهای منطقه و ظرفیت ها و توانمندی‌های اقتصادی و انرژی به این کشورها فشار بیشتری آورده و نفوذ خود را در این کشورها توسعه می‌دهند. و از طرف دیگر منطقه قفقاز و آسیای مرکزی با قرار گرفتن در چهارراه اروپا - آسیا و خاورمیانه می‌خواهد به یکی از مراکز ساختار جهانی مدرن بویژه در دو موضوع حیاتی انتقال انرژی و مبارزه با تروریسم تبدیل شود. البته این منطقه بحران‌های نهفته زیادی از جمله ترانس نیستر، اوستیای جنوبی، قره باغ، نزاع مرزی تاجیکستان و قرقیزستان و غیره در درون

### یادداشت

### زمستان گرم و بی‌عملی مزن من مسئولان



عباس محمدی\* گرم شدن کروی زمین، کم شدن بارش‌ها، یرف، عقب‌نشینی یخچال‌های کوهستانی، کم‌دوام شدن برفچال‌ها در فصل گرم، و فصلی شدن رودخانه‌هایی که پیش‌تر دائمی بودند، پدیده‌های نوبی نیستند؛ از حدود هزاره‌هوشمصد و اتمصد میلادی که پایان "دوره یخچالی کوچک" خوانده شده، انبوهی از اطلاعات تجربی و پژوهشی در این زمینه ارائه شده است. کافی است که در فضای اینترنت عبارت glacier retreat را جستجو کنیم تا به دریایی از محتوا در این زمینه دست یابیم. من که اقلیم‌شناس نیستم، بر پایه مشاهده‌های خود در کوهستان، دو بار به‌طور مفصل به این موضوع پرداخته‌ام: یک بار در اوایل دهه هشتاد در مقاله‌ای با عنوان "آفتاب چون دشمنی برمی‌آید و زمین گرم‌تر می‌شود" (در مجله‌ی صلح سبز، و ارائه‌شده به کمیته‌ی ملی المپیک) و بار دیگر در سال نود و دو در رساله‌ای مفصل با عنوان "بررسی تغییرات یخچال‌های کوهستانی ایران" (ارائه‌شده به پژوهشکده‌ی منابع آب وزارت نیرو). همچنین در یادداشت‌های بسیاری به این رخداد اشاره داشته‌ام. پژوهشگران و کارشناسان و کنشگران بی‌شماری هم در کشور به گرمایش جهانی که به‌ویژه کشورهای خشک مانند ایران را تهدید می‌کند، پرداخته‌اند. اما، واکنش تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان و بودجه‌پاشان، به پدیده گرمایش زمین چیزی نزدیک به هیچ بوده است! اینک، آن تراژدی بزرگ که هواداران محیط زیست رخ دادن را هشدار می‌دادند، نه برای "نسل‌های آینده" که در دهه‌های شصت و هفتاد در مورد حقوق‌شان می‌گفتم، بلکه بس زودتر در برابر دیدگان ما و برای خودمان (و دیگر مردمان) رخ داده است! مدیران کشور بیش از چهل سال فرصت و صدها میلیارد دلار بودجه داشته‌اند تا به دو دسته اقدام که به‌طور معمول برای رویارویی با گرم شدن زیست‌کره مورد اشاره قرار می‌گیرد، بپردازند: اقدام‌هایی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، و پیش‌بینی‌ها و فعالیت‌هایی برای تطبیق با شرایط گرم‌تر. اما آنان با برعکس، به استخراج هرچه بیشتر نفت و گاز و مصرف بی‌ضابطه‌ی آن دامن زده و برای "تکمیل" اثرات گرمایش، با کارهایی مانند جاده‌سازی و معدن‌کاری و سدسازی بی‌حساب و جنگل‌زدایی و میدان دادن به چرای بی‌رویه، به تخریب بردانه‌ی پوسته‌ی زمین پرداخته‌اند. نسبت دادن هر معضل و ایراد کشور به اقدام‌های بیگانگان برای ما چیز ناآشنایی نیست... فقط برای افزوده شدن به سیاهه‌ی سیاه‌کاری‌های دشمنان‌مان، ادعای دستکاری در فضا و جلوگیری از ورود ابر به کشور را کم داشتیم! این ادعا در حالی مطرح شده (به‌صراحت از سوی احمدی‌نژاد در دوره‌ی ریاست جمهوری‌اش، و تاویبی توسط شماری از مدیران کنونی) که آقایان در برابر دستکاری‌های عظیم و آشکار ترکیه و عراق در سرشاخته‌ی سامانه‌های آبی مشترک، یا سدسازی‌ها و منحرف کردن آب هیرمند به دست افغان‌ها، هیچ اقدام مؤثری نداشته‌اند؛ سهل است... خود با سدسازی بر رودهایی که از ایران سرچشمه می‌گیرد، راه را بر هر گونه تفاهم اصولی با همسایگان بر سر آب‌های مشترک بسته‌اند. بر فرض حتی اگر داستان "جنگ اقلیمی" و ابردزدی از جهاتی واقعیت داشته باشد، از قصور مسئولان ما که در پی بارور کردن ایرها و جلوگیری از خروج آن‌ها از کشور هستند و در صورت موفقیت نوعی دشمن‌سازی خواهد بود، چیزی کم نمی‌شود. زمان آن است که مدیران کشور، به خطاهای خود در رفتار با سرزمین اعتراف و شیوه‌ی حکمرانی را اصلاح کنند تا از این به‌گذر مردم عادی هم اعتماد خود را به نهادهای حاکم باز یابند و توصیه‌ها به صرفه‌جویی در مصرف آب و لزوم پیش گرفتن شیوه‌های ماهرنگ با شرایط اقلیمی جدید را جدی بگیرند. \*کنشگر محیط‌زیست

### یادداشت

تا بوی گندش زده‌شود. چندان آگاهی احتیاج نیست تا عمق فاجعه و فساد را دریابید. بوی پول می‌آید؟ فساد از حدی گذشته که اجتماع نجیف علمی ما بتواند سالم‌اش کند. از قوه قضائیه و دیوان عدالت اداری هم کاری برنمی‌آید. رسیده به حد وزارت اطلاعات که لازم است ورود کند. ورود می‌کند؟ نفوذ، فساد مالی؟ یا صرفا پدیده‌ای نامنظور در نظام علمی در نظام جمهوری اسلامی؟ هرچه هست من آن‌را مصداق بارز نسل‌سوزی می‌بینم. مردم- نه آن مردمی که بعضی جمعه‌گویان نام می‌برند و منظورشان امت است- آگاه باشند و از نسل کنونی و نسل‌های بعدی در حد توان و آگاهی خود حفاظت کنند. در وضعیت کنونی اگر وزارت اطلاعات ورود نکند نه به وزارت عتف امید می‌هست و نه به هیچ یک از نهادهای دیگر نظام حکمرانی مستقر.

بلند شد شورای انقلاب فرهنگی و وزارت علوم هنوز بلوغی داشتند که جلوی آن را بگیرند. حالا اما مسئله شورای انقلاب فرهنگی شده پاک کردن نام «بهمن» از روی سیگار بهمین چون در «شان انقلاب» نیست که در بهمین رخ داده. به‌همین سادگی! حالا اما در وادی علم نه تنها به قله-چهل- شاید هم نفوذ- رسیده‌ایم بلکه از آن عبور کرده‌ایم. آن از فرهنگستان علوم-مان- کافی است کتاب علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه از داوری اردکانی را ورق بزنید- و این هم از دانشگاه مثلا اسلامی ما که تا بلوی «دانشکده علوم پایه» را با این استدلال که «ما از قله عبور کرده‌ایم و حالا وقت فلان است» به «دانشکده علوم همگرا و کواتم» تبدیل می‌کند. مثل این می‌ماند که آنچه قبلا مستراح گفته می‌شد حالا شیک شده و تبدیل شده به «توال»



رضا منصوری\* مسئله شورای انقلاب فرهنگی شده پاک کردن نام «بهمن» از روی سیگار بهمین چون در «شان انقلاب» نیست که در بهمین رخ داده. به‌همین سادگی! حالا اما در وادی علم نه تنها به قله-چهل- شاید هم نفوذ- رسیده‌ایم بلکه از آن عبور کرده‌ایم. در دهه اول انقلاب فساد در وادی علم در حد پرداخت چند صد دلار و خرید عنوان «دانشمند سال» و «دانشمند قرن» بود. بوی گندش که